



نام درس: دناى اديب

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: غزليات سعدى (غزل ۴)

مقطع: دبستان و متوسطه ۱ پایه: چهارم تا هشتم





چنان به موی تو آشفته‌ام به بوی تو مست
دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد
مجال خواب نمی‌باشدم ز دست خیال
در قفس طلبد هر کجا گرفتاریست
غلام دولت آنم که پای بند یکیست
مطیع امر توام گر دلم بخواهی سوخت

که نیستم خبر از هر چه در دو عالم هست
خلیل من همه بت‌های آزاری بشکست
در سرای نشاید بر آشنایان بست
من از کمند تو تا زنده‌ام نخواهم جست
به جانبی متعلق شد از هزار برست
اسیر حکم توام گر تنم بخواهی خست





نماز شام قیامت به هوش باز آید
نگاه من به تو و دیگران به خود مشغول
اگر تو سرو خُرامان ز پای ننشینی
برادران و بزرگان نصیحتم نکنید
حذر کنید ز باران دیده ی سعدی
خوش است نام تو بردن ولی دریغ بود

کسی که خورده بُود می ز بامداد الست
مُعاشران ز می و عارفان ز ساقی مست
چه فتنه ها که بخیزد میان اهلِ نشست
که اختیار من از دست رفت و تیر از شست
که قطره سیل شود چون به یک دگر پیوست
در این سخن که بخواهند بُرد دست به دست





شرح واژگان و دشواری ها

نیستم خبر: خبر ندارم

خلیل: دوست، لقب حضرت ابراهیم (ع)

بت های آذری: تلمیح به داستان حضرت ابراهیم، آزر بت تراش عموی حضرت ابراهیم بود که بهترین بت ها را می ساخت.

مجال: فرصت

سرای: خانه

نشاید: شایسته نیست

کمند: طناب بلند مخصوص شکار

غلام: بنده

پای بند بودن: کنایه از اسارت و دل بستگی

متعلق شد: دل بسته شد

برست: رها شد

مطیع: فرمان بردار

امر: دستور

حکم: فرمان

بخواهی خست: بخواهی مجروح کنی

خستن: مجروح کردن

شام: شب

می: شراب

به هوش باز آید: به خود می آید

هوش: مرگ





شرح واژگان و دشواری ها

أَلَسْتُ: روز ازل (آیه ۷ اعراف) «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى: و هنگامی که پروردگارت از آدمیان نسل هایی پدید آورد و آنان را برخودشان گواه گردانید که آیا من پروردگار شما نیستم؟ پاسخ دادند: بلی هستی.

معاشران: یاران، هم صحبتان سرو خرامان: معشوق بلند قامتی که با ناز راه می رود

ز پای ننشینی: همچنان در حال راه رفتن باشی چه فتنه ها که خیزد: چه آشوب ها که به پا شود

اهل نشست: یاران نشسته در مجلس شست: انگشتی از جنس استخوان یا چرم برای تیراندازی

حذر کنید: دوری کنید دریغ بود: حیف است



۱- کدام بیت ها در این غزل تلمیح دارند؟

۲- در بیت آخر چرا سعدی نمی خواهد نام معشوق خود را در غزل بیاورد ؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>